

متن سخنان برادر زنگنه
وزیر جهاد سازندگی
در مجلس شورای اسلامی



ضرورت

ایجاد توازن در سرمایه‌گذاریهای شهری و روستایی

که روستایی برای یافتن یک کار ساده و سیر کردن شکم خود و خانواده‌اش به شهرها مهاجرت کند. اگر اندکی دقت بشود می‌بینیم که این برنامه را در دیگر کشورهای چهار سوم نیز پیاده کردند و نتیجه‌اش هم این شد که ما از یک سو در این کشورها از نظر تولیدات اصلی کشاورزی خلع سلاح شدیم و از سوی دیگر هم درگیر کلافه‌های سردرگمی گشتیم بنام شهرهای بزرگ. ما در آستانه پیروزی انقلاب با سه مشکل اصلی روبرو شدیم:

اول مشکل محرومیت در روستاها و همچنین حاشیه شهرها مانند حلبی‌آبادها و..... که البته افراد ساکن در این نقاط هم ریشه روستایی داشتند و در اثر مهاجرت بدنبال بدست آوردن یک لقمه نان به این روز افتاده بودند و مشخص است که لازم بود ما به این افراد رسیدگی کنیم.

دوم، مسئله استقلال اقتصادی بود که ما بتوانیم گندم و علفه و تولیدات دامی و لبنیاتی مورد احتیاج مردم را خودمان تهیه کنیم.

سوم، مشکل این شهرهای متورم و بزرگ بجا مانده از زمان شاه بود که طبیعتاً دولت

مطالب من امروز بدو بخش عمده تقسیم می‌شود. بخش اول در رابطه با وضعیت کنونی روستاهای ما و بخش دوم به مسائل جهاد و مشکلات آینده این نهاد انقلابی اختصاص دارد.

با پیروزی انقلاب اسلامی مجموعه‌ای از شهرها و روستاها برای ما به ارث مانده بود که هردو مشکلات عدیده‌ای داشتند، مشکلاتی که حاصل حداقل ۱۵ سال عملکرد نظام شاه و اجرای برنامه باصطلاح «انقلاب سفید» بود.

قبل از اجرای این برنامه در سال ۴۲ علی‌رغم مشکلات موجود در آن زمان در روستاها، کشور از لحاظ تولیدات کشاورزی خود کفا بود و حتی در بخشهایی از کسشاورزی و دام صادرات نیز داشتیم، علاوه بر این مسائل صنایع دستی روستایی نیز بسیاری از مصارف داخلی و همچنین صادرات مازا تشکیل می‌داد.

اعتباراتی که به روستاها تخصیص دادند و جهت‌گیریهای برنامه‌های شاه باعث شد که روستاهای ما فاقد تولید شده و بدین ترتیب روستایی نه درآمدی داشته باشد و نه امکانات حداقل زندگی و در مقابل این عمل شروع کردند به بزرگ نمودن شهرها و این باعث شد

* اگر ما بخواهیم روستایی در روستای خود پایدار باشد، تولید محصولات کشور نیز بالا رفته و به محرومین نیز از طریق بالا بردن درآمد کمک شود، اصلی‌ترین کار توجه به کشاورزی و در کنار آن رسیدگی به وضعیت رفاهی در روستاهاست.

* اولین مطلب همین توازن در سرمایه‌گذاری است و ما از مجلس شورای اسلامی می‌خواهیم حال که بحث در مورد لایحه بودجه نزدیک است به این مسئله رسیدگی بیشتری بنمایند و گر نه فاصله شهر و روستا روز بروز بیشتر شده و ما هم با خواهش و تمنا نمی‌توانیم روستایی را در جای خود نگهداریم و بگوئیم به شهر که آن همه اعتبارات داشته و پولها در آن می‌گردد نرو.

ملت به این سادگیها نمی‌توانستند از عهده این مسئله برآیند و شهرها نیز روز به روز در حال رشد بودند. روستائی مولد به شهر می‌آمد و تبدیل می‌شد به یک دست فروش مصرف کننده که نه تنها در تولیدات مملکت اثری نداشته بلکه باری هم می‌شد برای مملکت و بر مشکلات مسکن، ترافیک و خدمات شهری می‌افزود و اینها سوای مشکلات فرهنگی است که کلاً در این جمعیت‌های انبوه امکان رسیدگی به آنها نیست.

پس ما در واقع باسه مشکل روبرو شدیم که از یک جا ناشی می‌شد و آن سیاست آمریکا و شاه بود که می‌خواستند بجای محور قراردادن روستای تولیدکننده شهر مصرفی را الگو و پایه رشد کشور قرار دهند، در نتیجه روستاهای ما خالی شد. برای اینکه ما بتوانیم این سه مشکل اساسی را حل کنیم باید روستاها را که مرکز تولید بوده و اکثریت محرومین نیز در آن زندگی می‌کنند محور توسعه کشور قرار دهیم و اما اینکه چطور اینکار باید انجام شود توضیح خواهم داد.

ابتدا می‌خواهم یک آماری در مورد علل مهاجرت روستائیان به شهرها خدمتان عرض کنم، این مسئله دو علت اساسی دارد یکی دافعه‌هایی که در روستا بیچشم می‌خورد و دیگری جاذبه‌های موجود در شهر. بنابراین مسئله اصلی عدم توازن بین زندگی روستائی و شهری در همه زمینه‌هاست.

آمارگیری که توسط جهاد همدان انجام گرفته نشان می‌دهد که در چهار شهرستان این استان ۷۷٪ جمعیت مهاجر علت مهاجرتشان کمبود درآمد بوده، ۳۵٪ عدم امکانات رفاهی ۱۷/۱٪ آب کشاورزی و ۱۸/۴٪ مشکل زمین داشته‌اند، البته جمع اینها از صد درصد بیشتر است و این طبق روالی است که در آمارها مشاهده می‌شود و بعضی مسائل را یک نفر باهم ذکر می‌کند.

آمار دیگری هم هست از روستاهای ۱۵ شهرستان استان اصفهان که در آنجا ۴۹/۵٪ مهاجرت بعلت کمبود درآمد بوه که با توجه به کمبود آب و زمین کشاورزی ۸۵٪ مهاجرتها بعلت کمبود درآمد و امکانات شغلی است، ۱۱٪ افراد هم بدلیل عدم امکانات رفاهی و ۴٪ نیز به علت درگیری با خوانین، روستاهای خود را ترک نموده‌اند.

در آماری که اخیراً سازمان برنامه منتشر کرده درآمد سالانه یک خانواده شهری در سال ۷۷۷۲۴۶۱ تومان ذکر شده در صورتیکه درآمد سالانه یک خانوار روستائی ۳۴۲۶۳ تومان است که البته این آمار با احتساب درآمدهای غیر پولی روستائی می‌باشد.

پس عمده‌ترین عامل مهاجرت درآمد روستائی است و از اینجا بلافاصله برمی‌گردیم به مسئله کشاورزی که اساس تولید

*** سرمایه‌گذاری دولت در سال ۶۲ در امور عمرانی به این صورت بوده که ۲۴/۵٪ بودجه‌های عمرانی صرف پروژه‌های ملی شده، ۳۳/۵٪ صرف پروژه‌های شهری شده و ۲۴٪ به روستاها اختصاص یافته یعنی در حقیقت ۷۶٪ از کل پروژه‌های عمرانی به مصرف شهرها رسیده‌اند (زیرا طرح‌های ملی نیز اثرش در شهرهاست).**



در روستاهاست و اگر ما بخواهیم روستائی در روستای خود پایدار باشد، تولید محصولات کشور نیز بالا رفته و به محرومین نیز از طریق بالا بردن درآمد کمک شود، اصلی‌ترین کار توجه به کشاورزی و در کنار آن رسیدگی به وضعیت رفاهی در روستاهاست. البته ما الان در کشور مشکلاتی داریم اما حرف اینست که رساندن خدمات و امکانات رفاهی به مردم جهت‌دار باشد. ببینیم وقتی روستائی به شهر آمد و ما به او آب و مسکن و برق دادیم خوب طبیعتاً این روستائی احتیاج به پول دارد و ما این پول را از کجا بیاوریم، و آن وقت روز بروز این عدم توازن بین شهر و روستا هم بیشتر می‌شود، روستائی می‌بیند که مثلاً پسرعمویش به شهر آمده و صاحب خانه شد و روزی سیصد تومان هم درآمد داشت ولی این باید در روستا از صبح تا شب کار کند و عاقبت در سال ۲۵ هزار تومان هم نصیبش نشود، طبیعتاً این فرد می‌آید شهر و این آمدنها روز بروز بیشتر می‌شود و ما باید این حلقه را از یک جا پاره کنیم.

این شهرهایی که در جهان سوم درست کردند یعنی شهرهایی با درهای بزرگ و باز برای این بود که امکانات یک کشور را ببرند و آن را به خود وابسته کنند، چون شهری که از خودش تولید ندارد و روستاها هم نمی‌توانند

آن را تغذیه کنند ناچار است به خارج وابسته بوده و گندم و گوشت و شیر و پنیر و... را وارد کند و در زمان شاه کاربجائی رسید که دیدیم متأسفانه این اقلام را به روستا هم می‌برند.

الان این یک واقعیت عینی است که روستاهای ما می‌تواند یک مرکز و سنگری باشد برای استقلال و حل مشکلات اساسی کشور و ما در این زمینه پیشنهادهاتی داریم که بصورت یک لایحه تنظیم شده و خدمت هیئت دولت است ولی چون لایحه هنوز تصویب نشده من خود لایحه را عرض نمی‌کنم و تنها به دیدگاه‌های جهاد در این لایحه که مربوط به روستاهاست می‌پردازیم.

اولین مسئله در این رابطه توازن سرمایه‌گذاری در شهر و روستاست. بعنوان مثال سرمایه‌گذاری دولت در سال ۶۲ در امور عمرانی به این صورت بوده که ۲۴/۵٪ بودجه‌های عمرانی صرف پروژه‌های ملی شده، ۳۳/۵٪ صرف پروژه‌های شهری شده و ۲۴٪ به روستاها اختصاص یافته یعنی در حقیقت ۷۶٪ از کل پروژه‌های عمرانی بمصرف شهرها رسیده‌اند (زیرا طرح‌های ملی نیز اثرش در شهرهاست) و ۲۴٪ صرف روستاها شده. حال این ۲۴٪ چقدر در کار روستائی اثر داشته معلوم نیست ولی بهر صورت این کسیکه در روستاها بصورت پیمانکاری یا انواع دیگر کار کرده و پول گرفته این مقدار را به شهر آورده، یعنی در حقیقت گردش این پول نیز در شهر بوده است، آمار دیگری هم در همین زمینه درآمد خانوارهای شهری و روستائی هست که اخیراً منتشر شده و در رابطه با استفاده‌کنندگان شهری از امکانات می‌باشد، طبق این آمار در استان تهران ۲۷/۶٪ افراد اتومبیل شخصی دارند، ۸۷٪ تلویزیون دارند، ۹۴/۸٪ یخچال، ۹۵/۶٪ آب لوله‌کشی، ۹۹/۹٪ برق، و... در کل مناطق شهری ایران نیز این آمار بصورت زیر است:

۱۷/۹٪ اتومبیل، ۷۷/۷٪ رادیو، ۸۵/۶٪ تلویزیون، ۸۸٪ یخچال، ۹۳/۴٪ آب لوله‌کشی

و وقتی که ما به سهم ارزی که اثر در تولید روستاها دارد می‌رسیم می‌بینیم که رقم بسیار اندکی است ولی برای لوازمی که ذکر شد ما ناچاریم که ارز بدهیم و تولید کنیم. واقعاً برای من این سؤال است که وقتی ما تولید نداریم و برای وارد کردن لوازم اصلی تولید کشاورزی دچار کمبود ارز هستیم اگر پیکان و تلویزیون و اینگونه وسایل را نسازیم چه مشکلی برای مملکت ایجاد می‌شود، این عدم توازن موجود تا کی باید ادامه پیدا کند. پس بودجه روستائیان که نشان را خود تولید می‌کنند و آنچه به دولت می‌فروشند مازاد بر احتیاجشان است چه می‌شود؟ در واقع روستائیان احتیاج شهرها را تأمین می‌کنند و آنوقت درآمد مملکت عمده‌اش به شهرها می‌رود و روستائی

که اصلی‌ترین تولیدکننده کشور است از این درآمد سودی ندارد، بنابراین این اولین مطلب همین توازن در سرمایه‌گذاری است و ما از مجلس شورای اسلامی می‌خواهیم حال که بحث در مورد لایحه بودجه نزدیک است به این مسئله رسیدگی بیشتری بنمایند و گرنه فاصله شهر و روستا روز بروز بیشتر شده و ما هم با خواهش و تمنا نمی‌توانیم روستائی را در جای خود نگهداریم و بگوئیم به شهر که آن همه اعتبارات داشته و پولها در آن می‌گردد نرو.

مشکل دیگر ما هدایت اعتبارات بانکهاست، این اعتبارات عمدتاً صرف خدمات می‌شود و اگر یک روستائی بخواهد ۱۰۰ تومان قرض کند به دلیل اینکه سند و وثیقه ندارد ناامیدانه به روستا بر می‌گردد، اصولاً بانکها مایلند به کسانی وام بدهند که سند داشته و معتبر باشند چون پولشان راحتتر و بی‌دردتر بر می‌گردد. نکته دیگر این است که باید پول در خود روستا بچرخد، زیرا بودجه‌ای که دولت به روستاها اختصاص می‌دهد یعنی همان ۲۴٪ بیشترش توسط پیمانکار به شهر آمده و تنها پولی که از این بابت به روستائی می‌رسد از راه عملگی است. مسئله دیگری که به آن اشاره داشتیم، کشاورزی است در همه ابعاد آن از تامین آب کشاورزی گرفته تا کارهای ترویجی و آموزشی برای بالا بردن میزان تولید و ادامه حیات یک روستا.

و مسئله بعدی ما چیزی است بنام صنایع روستائی که من بدلیل اهمیت موضوع در این رابطه بیشتر صحبت می‌کنم. طبق آماري که از زمینهای کشاورزی در سال ۵۴ توسط مرکز آمار ایران گرفته شده ۳۱/۱٪ از کشاورزان مقدار زمینشان کمتر از یک هکتار است، ۱۳/۸٪ بین یک تا دو هکتار زمین دارند و ۲۰/۴٪ نیز بین دو تا پنج هکتار هکتار زمین را زیر کشت برده‌اند، یعنی ۶۵/۳٪ از کشاورزان، کمتر از پنج هکتار زمین دارند، صرف نظر از اینکه کشاورز در این زمین کم چه چیزی بکارد تا برایش صرف کنند یک مسئله دیگر نیز از این آمار مشخص می‌شود و آن اینکه، ۲/۵ میلیون نفر بهره‌بردار در این زمینها داریم یعنی ۲/۵ میلیون نفر زمین کمتر از ۵ هکتار دارند، حال اگر بفرض یک نفر که سه پسر دارد و نیم هکتار زمین آبا پسرهای او باز هم این نیم هکتار را بین خودشان تقسیم کرده و امرار معاش کنند؟ زندگی خود طرف هم بسزمت از این راه می‌گذرد چه رسد به اینکه پسرانش هم بخواهند از این راه امرار معاش کنند. پس این افراد مجبور خواهند بود برای گذران زندگی به شهر بیایند، چاره‌ای که ما برای این مسئله اندیشیده‌ایم اینست که صنعت را به روستاها ببریم البته بصورت صنایع کوچک زیرا

در مملکت ما وقتی بحث از صنعت می‌شود مثلاً وقتی می‌گوئیم کارخانه نساجی بلافاصله در ذهن ما یک کارخانه عظیم پارچه بافی مجسم می‌شود، که با پنجهزار دستگاه مشغول بکار است. در رابطه با اهمیت صنایع کوچک من یک آماری از صنایع هند دارم البته این آمار به آن معنی نیست که آنچه در هند است معیار و ملاک بوده و وضع ما نیز به همین صورت می‌باشد اما بهرحال این آمار گویای حقایقی در این رابطه است.

صنایع روستائی و کوچک هند در سال ۴۹۰۱۹۸۰٪ کل ارزش ناخالص تولید صنعتی هند را بخود اختصاص داده و بیش از یک سوم کل صادرات کشور هند حاصل تولید همین کالاها بوده و در این زمینه تولید ۸۰۰ قلم کالا را منحصر به عهده این بخش از صنایع کوچک گذاشته‌اند از کالاهای چرمی گرفته تا رادیوهای کوچک و مسائلی از این قبیل.

بنا بر این ما نیساز داریم که در صنعت و سیاستهای صنعتی کشور یک نگرش و اقدام جدید صورت بگیرد و من از مجلس شورای اسلامی تقاضا دارم که در سیاست‌گذاریها و تصویب اعتبارات صنایع کوچک و علی‌الخصوص صنایع روستائی را در نظر داشته باشند، زیرا این کار هم کمک خرج و درآمد روستائیان در فصولی است که امکان کار کشاورزی نیست و می‌تواند برای جمعیت رو به افزایش روستاها ایجاد کار کند و هم سهم بسزائی در بالا بردن تولیدات مملکت و خود کفائی دارد، البته یک مسئله در این رابطه باید رعایت شود و آن اینکه نوع این صنایع لطمه‌ای به کشاورزی وارد نیسازد بلکه حتی آن را حمایت هم بکند، در گذشته نیز مسائل به همین صورت بود مثلاً در روستاهای یزد و نائین که امکانات کشاورزی کم بود خود بخود صنایع دستی رواج داشته و این مسئله باید حمایت شود



و شکل جدید هم در ابزار تولید به خود بگیرد، در این رابطه تقویت جهادهای دهستان نقش مهمی را در رساندن خدمات به روستاهای کشور دارد و به این مسئله نیز باید توجه شود.

قسمت دوم بحث من در رابطه با مسئله جهاد است، با توجه به اهمیتی که روستاها دارند، برای حل مشکلاتمان هیچ راهی نداریم مگر اینکه بعد از مسئله جنگ به مشکل روستاها که عبارتند از مسائل کشاورزی، صنایع، خدمات و رفاه مردم روستائی بپردازیم و جهاد هم تنها نهادی است که از ابتدا خصوصاً بعد از تصویب اساسنامه آن در مجلس تمام تشکیلات، جهت گیری و وظایفش متوجه روستاهاست و مسائلی است و وظیفه‌ای در قبال شهر نداریم، صحبت من در رابطه با وضعیت فعلی جهاد خصوصاً با توجه به ابهاماتی که برای برادران محترم نماینده در این مورد مطرح می‌باشد این است که جهاد می‌تواند بحمدالله با قدرت و قوت نه تنها کارهایی را که در گذشته می‌کرده ادامه دهد بلکه با توان بسیار بیشتری می‌تواند در جهت وظایفی که در قبال خدمت به روستاها چه در زمینه آب کشاورزی و چه در مورد مسائل دیگری که در این رابطه وجود دارد کار کند.

اما مسائل و مشکلاتی که به کار آینده جهاد ربط داشته و اگر حل نشود امکان دارد که به جهاد آسیب برساند و عمده این قضایا و مشکلات نیز در رابطه با مجلس بوده و به مجلس برمی‌گردد بشرح زیر است:

اولین مشکل مسئله وظائف ما است و آنچه که تحت عنوان اساسنامه برای جهاد تصویب شده. بحثی که ما در اساسنامه داریم این است که اصل در آنجا به وزارتخانه‌ها گذاشته شده و جهاد بعنوان یک مسئله فرعی و یک امری که باید ظاهراً قضیه‌اش را بنحوی حل کرد مطرح گردیده و چیزی نیست که ما بتوانیم با آن یک قدرت و قوت زیادی داشته و انتظارات مردم و مجلس را برآورده کنیم.

یک مسئله باید برای جهاد روشن باشد چه در اساسنامه و چه در ضوابط اداری و مالی و استخدامی که ما در آستانه تقدیم آنها به مجلس هستیم و آن اینکه آیا مامی خواهیم در این مملکت جهاد داشته باشیم یا نه، مجلس باید این را روشن کند. اگر نمی‌خواهیم جهاد باشد دیگر لزومی ندارد چهل، پنجاه هزار نیرو را که واقعا هر کدامشان می‌توانند یک مشکلی از این مملکت را بر دارند و گره‌ای را باز بکنند، ما اینها را در جایی بگذاریم که وظیفه مشخصی نداشته باشند و بعد هم مرتب فشار بیاوریم که ضوابط و مقررات اداری برایشان حاکم شود، اگر می‌خواهیم اینها عین ادارات شوند خوب ما که از گذشته این ادارات را داشته‌ایم چرا

بیائیم دوباره باری بردوش مملکت بگذاریم این را منحل می‌کنیم ووظایفش را به جاهای مختلف می‌دهیم. اما اگر می‌خواهیم این راداشته باشیم باید روشن شود که اولاً این نهاد چکاره است، ثانیاً مقرراتی در آن نگذاریم مثل آنکه دست وپایش را ببندیم و بگوئیم حالا برو. یعنی قوانین دست و پاگیر برایش تصویب نکنیم بعد مکرراً بگوئیم چرا کار نمی‌کنید، چرا انعکاس کارتان کم شده، چرا فلان قدرت و تحرکی را که ابتدا داشتید از دست داده‌اید، البته ما این قدرت را داریم ولی خواهش ما این است که این لواجیحی که تقدیم مجلس می‌شود اینها طوری تصویب شود که دست وپال این نهاد انقلابی بسته نشود، البته ما حسن نظر زیادی را تا بحال در این رابطه از مجلس دیده‌ایم.

من حداقل چیزی را که عرض می‌کنم این است که جهاد می‌تواند یک مزرعه نمونه باشد برای این انقلاب یعنی تنهاجایی که میشود روال آینده اداری و تشکیلات و قوانین استخدامی جدید کشور را در آن آزمایش کرده و اثرات آن را مشاهده کرد جهاد است و این علاوه بر مسائل دیگر و تحرک بیشتر خود این نهاد است.

من این را عرض کنم که اگر جهاد بخواند مثل یک اداره شود واقعا نمی‌تواند کار کند و نابود خواهد شد و اگر قرار است به آن سمت برود بجای اینکه ۴ یا ۵ سال طول بکشد و ضایعات زیادی را بسیار بیاورد بهتر است از همین ابتدا تکلیف کار مشخص شود.

نظام زمان قبل طوری تنظیم شده بود که برای هر کار یک مسئول گذاشته بودند، جهاد هم که بوجود آمد و مجلس ادامه حیاتش را تأیید کرد و وظایف جاهای مختلف را انجام می‌دهد و گرنه آنها برای اداره کشور مسئولان مشخصی گذاشته بودند. در نتیجه الان وضع طوری شده که به هر کاری که مامی‌خواهیم دست بزنیم می‌گویند تداخل و ناهماهنگی ایجاد می‌شود ما هم موافق بی‌نظمی و تداخل کارها نیستیم منتهی این نهادی را که خود انقلاب بوجود آورده باید خودش هم پشتیبانی آن را بکند نه اینکه ما آن را وسط زمین و آسمان رها کنیم و نه بگوئیم باش، نه بگوئیم نباش، اگر باشد باید وظایف آن مشخص شود و اگر نه که نباشد. البته ما در این رابطه پیشنهادات مشخصی داریم.

مسئله دیگر در رابطه با بودجه است، بودجه‌ای که سال گذشته دولت برای ماتصویب کرد. ۱۰ میلیارد تومان بود ولی آنچه که بدست ما رسیده تا آخر امسال انشا الله به ۷/۵ میلیارد خواهد رسید و با این وجود ما مرتباً برای کارهای عمرانی و تولیدی با تذکرات نمایندگان محترم روبرو هستیم. کل بودجه ما برای برق روستائی در سال گذشته ۰۰۰

میلیون تومان بود ولی پیشنهادات دولت برای این بخش بسیار کم است. از یک میلیارد تومان پیش بینی شده بود، البته من موافق این هستم که کسر بودجه تا حد امکان کاهش پیدا کند و بحث در این رابطه نیست منتهی عرض بنده این است که اگر قرار باشد در تقسیم بودجه کسی را بزنند همه را مثل هم نزنند. جنگ در رأس امور است و باید کمترین فشار را تحمل کند، بعد از آن مسئله روستاها و کشاورزی است، اگر قرار باشد به همه یک اندازه بها داده شود این باعث عدم توازن می‌گردد و مهاجرتها باز هم بیشتر می‌شود. ما با ۴ میلیون تومان و موجودی انبارهایمان خیلی تلاش بکنیم ۲ هزار روستا را می‌توان برق داد ولی سال آینده با توجه به اینکه موجودی انبارها با تمام رسیده دیگر نمی‌شود اینکار را کرد برای دیگر مسائل هم اینطور است. در رابطه با این مطلب یک مثال می‌زنم از قول دکتر فاضل وزیر علوم که از اعجازات خداوند در بدن انسان این است که وقتی در قسمتی از بدن کمبود خون بوجود آید سیستم بدن خود بخود خون را از قسمتهایی که لازم نیست جمع کرده و به نقاط نیازمند و حساس می‌رساند، مثلاً خون به پوست نرفته و رنگ انسان می‌پرد یا خون ماهیچه‌های دست و پا کم شده و این اعضا را شل می‌کند ولی به مغز و قلب و ریه و کلیه خون کافی می‌رسد، الان هم کسر بودجه مثل



کسر خون است، اگر بدن بخواهد به همه اعضا یک جور خون برساند خود شخص میمیرد چون دستها کار می‌کنند ولی به مغز خون نمی‌رسد. ما می‌گوئیم اگر کسر بودجه است برای همه یکسان کم نشود، به آنهایی که اولویت داشته و حیات اقتصادی و حیات کل نظام به آن وابسته است کمترین فشار وارد آید. وقتی که یکبار ۲/۵ میلیارد تومان از بودجه روستاها کم می‌شود این فشار عظیمی را به همه قسمتها وارد می‌کند و اثراتی روی روستاها می‌گذارد که این آشکاراً قابل ملاحظه است. مسئله دیگری که بعضی اوقات مشاهده می‌شود مشکل کم اطلاعی نسبت به فعالیتهای جهاد است و من اینجا از خواهران و برادران نماینده درخواست می‌کنم که بیایند و این کارها را از نزدیک مشاهده کنند.

در طول این چند سال ما در زمینه آب کشاورزی توانسته‌ایم ۵ میلیارد متر مکعب آب جدید استحصال کنیم که این در شبکه‌های آبیاری موجود بهبود زیادی بخشیده، کارهایی هم که امسال در این رابطه داشتیم احداث ۴۳۸ سد و بند مخزنی و انحرافی بوده که تا پایان امسال با تمام خواهد رسید. همینطور ۶۳۰ پروژه کانال و ۲۶۴۶ رشته قنات نیز در روستاها لایروبی شده، از جمله کارهای بزرگ در این زمینه طرح احیا مرداب انزلی بوده که من یک قلم از اثرات اقتصادی آن را تا بحال عرض می‌کنم که احیا ۱۰ هزار هکتار زمین زراعی و نجات آن از غرق آب شدن بوده که این زمینها می‌توانند مورد استفاده قرار بگیرند. همچنین موجودات زنده مرداب از مرگ نجات داده شده و امسال ماهیها در آن تخم‌ریزی کرده‌اند. کار دیگر ما زهکشی کربال فارس بوده که شاید بزرگترین زهکشی انجام شده در ایران بوده است و ۸۰ هزار هکتار زمین را دربر می‌گیرد که تا بحال ۴۰ هزار هکتار به پایان رسیده. همچنین تأسیس کانالهای میناب و ورامین از کارهای ما بوده و زهکشی شهید بهشتی در خوزستان نیز جزء کارهای با اهمیت آبی بوده و از کارهای بازسازی مناطق جنگی می‌باشد. برای سال آینده هم ما با یک طرح وسیع اعلام آمادگی می‌کنیم که بتوانیم کارهای بزرگ و کوچک آبی را انجام دهیم و این را به وزارت نیرو هم اعلام کرده‌ایم.

در مورد زراعت نیز طرح گندم داریم بوده که امسال آغاز شده و انشاء الله با یک طرح مقدماتی در یک میلیون هکتار به پایان خواهد رسید و برای سال آینده هم در سطح بسیار وسیعتری منظور شده است.

من در خاتمه صحبت‌م یکبار دیگر خاطر نشان می‌کنم برای نمایندگان محترم که روستا و کشاورزی یک مسئله حیاتی برای استقلال اقتصادی کشور است و در این رابطه

باید در صفحه ۱۵

تماماً تحت پوشش دولت است با سیاستهای مشخص)، کلیه کشورهای غربی بصورت بسیارضعیفی و با حجم بسیار محدودی از تولیدات خود شرکت کرده بودند. بعنوان مثال در غرقه آمریکا فقط نوشابه پبسی به نمایش گذاشته شده بود (البته بچه‌های همراه می‌گفتند این کار کنایه‌ای است به مردم رومانی زیرا که عطش زیادی نسبت به کالاها و مواد غذایی و نوشابه‌های وارداتی دارند ولی در بازارشان یافت نمی‌شود).

یا مثلاً در غرقه ژاپن فقط چند تلویزیون، دوربین و یک ماشین به نمایش گذاشته شده بود، ولی کشورهای بلوک شرق فعالیت شرکت کرده بودند.

تقریباً نیمی از مساحت نمایشگاه به خود رومانی اختصاص یافته بود که بسیار هم زیبا تشکیل داده بودند، بصورت دایره‌ای در وسط نمایشگاه (شبهه به استادیوم ورزشی بزرگ) و در سه طبقه سرپوشیده بود و اطراف این سالن سرپوشیده نیز ماشین‌آلات سنگین از قبیل اتوبوس، ترن، وسائل نقلیه سبک و سنگین و ماشین‌آلات کشاورزی (تراکتورهای گوناگون، کمباین)، ماشین‌آلات راهسازی و ساختمانی که اکثراً کاتالوگهای آنها را گرفتیم.

مسئله دیگری که در بخشهای مختلف نمایشگاه بچشم می‌خورد تابلوهای بزرگی که با نمودارهای نشونی مراحل مختلف رشد، بهره‌برداری و یا پیشرفت پروژه مشخصی را نشان می‌داد بود. که بعنوان نمونه سه رقم ذیل ذکر می‌گردد:

بقیه از صفحه ۱۵

باید به جهاد بعنوان تنها نهادی که در رابطه با روستا کار می‌کند توجه شود. ما خواهش می‌کنیم در آئین نامه‌ها اصل بروزرخانه شدن گذاشته نشود که قوانین مالی ما با قانون محاسبات عمومی حساب شده و قوانین اداری نیز با قانون استخدامی کشوری باشد. این کارها مرگ جهاد را می‌آورد، ولی مرگ تدریجی یعنی چند سال طول می‌کشد، بنابراین باید تصمیم گرفته شود اگر می‌خواهد باشد درست و حسابی باشد و اگر نه، این را بدانید که مرگ تدریجی به ضرر ملت و دولت حزب الله بوده و این پنجاه هزار نفر را مایوس می‌کند و اینها می‌توانند در جاهای دیگر بسیار مؤثر باشند.

در زمینه بودجه هم خواهش ما این است که به جهاد بیشتر رسیدگی شود، اگر روستا و کشاورزی به منزله مغز نیست حداقل حکم قلب را

برای این مملکت دارد و اگر به جهاد رسیدگی نشود روز بروز این عدم توازن بیشتر شده و

سال	۱۹۴۵	۱۹۶۵	۱۹۸۴
تولید محصولات اجتماعی	۱	۷	۲۸ برابر
صادرات	۶	۲۵	۸۳ برابر
بهره‌برداری از معادن	۴۸ معدن	۵۳ معدن	۹۳ برابر

همه ساله برنامه منظمی برای بکارگیری نیروهای دانشجویی، دانش‌آموز، ارتش و کارمندان برای جبران کمبود نیروی کار در بخش کشاورزی (بخصوص در فصل برداشت) انجام می‌پذیرد.

برخی از محصولات مصرفی از قبیل میوه، مواد غذایی، صنایع چوبی که از کیفیت خوبی برخوردار بودند و در نمایشگاه به نمایش گذاشته شده بود، عمدتاً صادراتی بودند و در بازار و مغازه‌های داخلی یافت نمی‌شد. لازم بتذکر است که جمهوری اسلامی ایران در این نمایشگاه شرکت نکرده بود ولیکن در سال گذشته شرکت داشته است. کشورهای شرکت‌کننده عبارت بودند از:

لهستان، یونان، هند، آمریکا، ژاپن، ایتالیا، نروژ، اتریش، کانادا، اسرائیل، آلمان غربی، زئیر، آلمان شرقی، انگلستان، شوروی، بلغارستان، چکسلواکی، کوبا، ترکیه، چین، پاکستان، فلسطین، عراق (که البته ما بازدید نکردیم) و فرانسه.

گفتگو با امام جماعت بخارست:

در تنها مسجد بخارست که زیربنائی بوسعت تقریباً ۱۰۰-۷۰ شیبستان و ۱۵۰ متر حیاط داشت ملاقات کوتاهی با امام جمعه بخارست داشتیم، وقتی وارد مسجد شدیم در دفتر کوچکی مشغول تایپ نامه بود، لباسش مثل یک کارمند شیک کت و شلوار و کراوات بود.

حدود ۵۵ سال سن داشت، از ملاقات ما اظهار خوشحالی کرد و می‌گفت دو بار تا بحال به ایران آمده‌ام و با حضرت امام نیز ملاقات نموده است، مقداری از صلح و امنیت گفت و اظهار داشت که رهبرمان چائوچسکو نیز بسیار طرفدار صلح است. در پاسخ نیز ما مواضع جمهوری اسلامی ایران را پیرامون جنگ، دفاع و صلح و برقراری صلح پایدار تحت پرچم اسلام و حاکمیت مستضعفین به وی اعلام داشتیم.



*** من از مجلس شورای اسلامی تقاضا دارم که در سیاست‌گذارها و تصویب اعتبارات صنایع کوچک و علی‌الخصوص صنایع روستائی را در نظر داشته باشند. زیرا این کار هم کمک خرج و درآمد روستائیان در فصولی است که امکان کار کشاورزی نیست و می‌تواند برای جمعیت رو به افزایش روستاها ایجاد کار کند و هم سهم بسزائی در بالا بردن تولیدات مملکت و خودکفائی دارد.**

*** روستا و کشاورزی یک مسئله حیاتی برای استقلال اقتصادی کشور است و در این رابطه باید به جهاد بعنوان تنها نهادی که در رابطه با روستا کار می‌کند توجه شود.**

تولید ماکاهش پیدا خواهد کرد. الان به نظر ما جهاد یک نعمتی است که خدا در اختیار مجلس گذاشته تا بتواند برای سازندگی کشور و روستاها از آن استفاده کند و به عقیده ما اصل سازندگی در روستاهاست و آبادی شهرها هم در گرو آبادسازی همین روستاهاست. من با دعا برای طول عمر امام بزرگوار و پیروزی رزمندگان و یاد شهدای جهادگر عرایضم را خاتمه می‌دهم.